

عوامل عملی و نظری ناکارآمدی کیفر حبس

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۱/۲۰، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۲/۲۷)

قاسم مرادی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

محمد حسین مرادی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

زندانیان که روزگاری تأسیس آن موجب افتخار حکمرانان و جرم شناسان بود، امروزه به دلیل ناموفق بودن در رسالت خویش به لحاظ افزایش بی رویه زندانیان و تبدیل شدن آن به مدسه تکرار جرم و با توجه به ناکارآمد بودن مجازات حبس - به ویژه حبس های کوتاه مدت - در اصلاح و بازپروری زندانیان، جرم زا بودن محیط زندان، هزینه های اقتصادی زندان، مشکلات بهداشتی و روانی موجود در آن به یک بحران تبدیل شده و این امر سبب گردیده تا کیفرشناسان به فکر مجازاتهایی بیفتند که عاری از اثرات سوء زندان و در اصلاح و بازپروری اجتماعی مجرمان نیز نقش پررنگ تری ایفا کند. بنابراین پیش بینی برنامه های جایگزین حبس لازم و مفید به نظر می رسد. بر همین اساس، امروزه سیاست گذاران جنایی ایران در راستای حبس زدایی و منع استفاده بی رویه از مجازات حبس اقدام به تدوین لایحه ای تحت عنوان «مجازاتهای اجتماعی جایگزین زندان» نموده اند، که نوع جدیدی از مجازاتهاست و با مشارکت مردم و نهادهای مدنی اعمال می گردد و در کشورمان به مرحله ای اجراء در آمده است. نهایتاً این که نه تنها تصویب قوانین و مقررات شفاف و جامع در این زمینه مفید و ضروری بنظر می رسد، بلکه اجرای موفقیت آمیز این قوانین، نیازمند فرهنگ سازی مناسب در جامعه است.

۱۳۳



بخش اول: کلیات

با نگاهی کوتاه به گذشته و مطالعه قانون نامه حمورابی (اولین تمدن حقوقی) و بررسی جرم ها و مجازاتها و شیوه های اجرای آن در ایران باستان در می یابیم که مجازاتها منحصر به مجازاتهای سخت بدنی از جمله اعدام، قطع انگشتان، تازیانه و... بوده است و اثری از زندان به منزله یک نهاد اجرای مجازات در آن وجود ندارد. پیامدهای ناگوار زندان آنقدر زیاد است که کیفرشناسان و به طور کلی حکومت ها نتوانستند آنها را نادیده بگیرند. از نظرگاه فردی، زندان برای زندانی و بستگان وی مشکلاتی همچون بازماندن از کار و فعالیت، فاسد شدن تدریجی، ابتلاء به بیماریهای روانی و جسمی، ایجاد سوء پیشینه و از هم گسیختگی خانواده را در پی دارد. از نظرگاه اجتماعی نیز عیوبی همچون ایجاد هزینه برای جامعه و دولت، درگیر شدن نیروهای اجتماعی به کارهای نامفید، بی بهره ماندن جامعه از نیروهای کارآمد و از دست رفتن ویژگی تهریبی زندان در طول زمان از جمله پیامدهای ناگوار زندان به شمار می روند. سلب آزادی از محکومان باید به منزله آخرین حربه و آنگاه که هیچ شیوه و راهکار مورد اعتماد دیگری نباشد، به منزله واکنش جامعه در برابر مجرمان به کار گرفته شود و آن هم تنها برای مجرمان خطرناک - اعم از تکرار کنندگان و غیر آن یعنی کسانی که آزادی آنان برای امنیت دیگران مخاطره انگیز است. این انتقادات و ایرادها به طرح نظریه «دفاع اجتماعی» گروید. دیدگاه های مبتنی بر دفاع اجتماعی با اتکا بر ایده بازپروری، به دلیل آنکه امکان لغو و حذف مجازات زندان را فراهم نمی دیدند، ضمن پذیرش آن، کوشیدند تا با اعمال سازوکارهای خاص، مانند آزادی مشروط یا عفو و تعلیق و... از شدت آن بکاهند یا با استفاده از مجازاتهای جانشین، از توسل به مجازات سلب کننده آزادی پرهیز نمایند. دیری نپایید که نظریه های کیفر زدایی و زندان زدایی و اندیشه جانشین های زندان، بر همه نظام های حقوقی تأثیر گذاشت و کشورهای مختلف یکی پس از دیگری به پذیرش و اعمال روشهای جدید روی آوردند. بر این پایه، حامیان این نظریه به جای زندانی کردن مجرمان، به شیوه های جدید مجازات مجرمان از قبیل جزای نقدی، خدمات عمومی، زندان در منزل و..... روی آوردند تا بلکه بتوانند جلوی آثار زیانبار زندان بر جامعه، فرد زندانی و خانواده وی را بگیرند. توسل به مجازاتهای جانشین برای حل معضل جمعیت کیفری زندانها کافی نیست، بلکه این شیوه باید در کنار عواملی همچون برنامه های پیشگیری از جرم، تقویت و گسترش نهادهای جامعه پذیرکننده مانند خانواده و مدرسه، جرم زدایی، کیفر زدایی و قضازدایی به کار بسته شود تا نتایج مطلوب از آن حاصل گردد.^۱



۱ - مرادی، «تعدیل مجازات زندان»، ۱۰۶.

بند اول: عوامل عملی ناکارآمدی کیفر حبس

مجازات‌ها از اهدافی برخوردار می‌باشند که از جمله عبارتند از: «ارعاب و عبرت‌انگیزی و پیشگیری از جرم به طور خاص و عام» و بازسازی مجدد مجرم در جامعه «اصلاح و درمان»، مخالفان کیفر حبس معتقدند که این مجازات نتوانسته است اهداف فوق را برآورده کند. ذیلاً به عقاید مخالفان کیفر حبس راجع به ناتوانی و شکست مجازات حبس در تحقق هر یک از اهداف فوق در دو بند جداگانه خواهیم پرداخت.

الف- ناتوانی در پیشگیری از جرم: یکی از اهداف مجازات‌ها، ارعاب و بازدارندگی می‌باشد.^۱ منظور جنبه‌های پیشگیرانه و سودمندانه کیفر می‌باشد به این معنا که آن کیفر، چنان ترس و واهمه‌ای ایجاد کند که در وهله اول، نسبت به خود محکوم مرتکب است تا تمایل به ارتکاب مجدد بزه را در او از بین ببرد و در وهله دوم، نسبت به عموم افراد جامعه که جزء بزهکاران بالقوه می‌باشند و ممکن است به تقلید از بزهکار اصلی به دامن ارتکاب جرم روی آورند. تعبیر جلوگیری از اندیشه ارتکاب مجدد جرم از سوی مرتکب را پیشگیری خاص و جلوگیری از ارتکاب جرم به تقلید از بزهکار را پیشگیری عام می‌نامند. اینکه آیا کیفر حبس توانسته این هدف مجازات‌ها را برآورده کند یا خیر به درستی معلوم نیست. به عبارت دیگر، با در نظر گرفتن این هدف برای کیفر، آیا می‌توان محقق بود که از ارتکاب جرایم و تکرار آن در سطح جامعه جلوگیری به عمل آمده است؟ آمارها نشان می‌دهند که این کیفر در برآورده کردن این هدف موفق نبوده است و باز می‌بینیم که نه تنها عموم افراد از ارتکاب جرم دست‌نکشیده‌اند، بلکه همچنین بخشی از جمعیت کیفری زندان را تکرار کنندگان جرم تشکیل می‌دهند و هر ساله به این تعداد افزوده می‌شود. برای مثال، آمار زندانیان در سالهای ۱۳۷۰ الی ۱۳۸۱ از ۹۱۲۴۳ به ۱۵۱۰۶۲ نفر افزایش یافته است. اینها بیانگر این است که مجازات زندان در کاهش آمار جرایم، بازدارندگی و پیشگیری از جرم تأثیری ندارد. بنابراین زندان نه تنها نمی‌تواند امنیت قضایی را برقرار کند، بلکه بی‌اعتمادی و بدبینی نسبت به دستگاه قضایی را نیز موجب خواهد شد.^۲ برخی علت عدم موفقیت نقش بازدارندگی را در این می‌دانند که: «جرم ناشی از عواملی از قبیل فقر، بیکاری، بیسوادی، مهاجرت و... است که زندان در از بین بردن آنها هیچ نقش و تأثیری نخواهد داشت و تا

^۱ - اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ۱۳۰۲-۱۲۸.

^۲ - نجفی ابرندآبادی، مترجم، کیفرشناسی، ۳۱.

^۳ - گودرزی، نارسائی‌های زندان، ۱۰۹.





وقتی علل و زمینه های ارتکاب جرم در جامعه وجود داشته باشد زندان از ارتکاب جرم پیشگیری نخواهد کرد.» یا در نمونه و آماری دیگر در سال ۱۳۸۳ تعداد ۴۱۴۵۸ نفر متهم و محکوم به زندان قزلحصار وارد و همان سال ۱۸۸۳ نفر از زندان خارج شدند. هر اندازه بر میزان افرادی که حبس را تجربه می کنند افزوده شود بر شیوه رفتارهای خلاف ارزش اجتماعی افزوده می شود. گاهی اوقات با تشکیل باندهای بزهکاری در زندان این مکان به محلی برای شروع فعالیتهای مجرمانه مبدل می شود و محکوم پس از بازگشت به جامعه با فعالیت در گروه مجرمانه مرتکب جرایم سنگین تری می شود. زندان که باید مکانی برای اصلاح و تربیت و تهذیب اخلاقی بزهکاران باشد به تعبیر مارک آتسل تبدیل به مدرسه تکرار جرم می شود یا به تعبیر مرحوم کی نیا به دانشگاه جنایی تبدیل می شود. حبس که ایجاد شده بود تا با تفکر مجرمانه در زندان مبارزه کند- اخلاق او را اصلاح کند و شخصیت ضد اجتماعی او را از نو بسازد و در نگرش او به زندگی اجتماعی تحولی ایجاد کند- استعدادهای بالقوه زندانی را بشناسد و برای شکوفایی آنها تلاش کند و در جهت هماهنگی و سازگاری محکوم با ارزشهای پذیرفته شده در جامعه گام بردارد امروزه از مسیر اصلی خود منحرف شده است. تحقیقی که در برخی زندانهای شهر تهران صورت گرفته چنین گزارش می دهد که ۸/۵ درصد مجرمان مواد مخدر برای دومین بار مرتکب جرایم دیگری شده، لیکن تمامی مرتکبان جرایم سبک برای دومین بار مرتکب جرایم سنگین تری شده اند. ^۱ ضروری است که متهمان از محکومان جدا نگهداری شوند و محکومان به حبس بر اساس اهمیت جرم و خطرناکی مجرم، سن و جنس و وضعیت سلامتی طبقه بندی شوند. البته تدوین کنندگان لایحه مجازاتهای اجتماعی جایگزین زندان بر این باورند که با تصویب و اجرای این لایحه ۴۵/۶ درصد از مجازاتهای قانونی کاسته می شود (چهارچوب نظری لایحه مجازاتهای اجتماعی جایگزین زندان).

بند دوم: شکست برنامه های اصلاح و درمان

یکی دیگر از اهداف مجازاتها، بازپروری مجدد اجتماعی بزهکاران و اصلاح و درمان آنها می باشد. ^۲ اندیشه ی اصلاح و درمان بزهکاران و بازسازی مجرد وی یکی از آموزه های فکری مکتب دفاع اجتماعی جدید می باشد. ^۳ برنارد بولک معتقد است که: «اصلاح مقصر با این هدف است که او

^۱ - همان ، ۱۴۲.

^۲ - نجفی ابرندآبادی ، مترجم ، کیفرشناسی، ۳۲.

^۳ - همان ، ۴۷.

دوباره به راه خطا باز نگردد.» اندیشه‌ی اصلاح و درمان و بازپذیری در اسناد بین‌المللی منعکس شده است. به عنوان مثال، می‌توان به قواعد حداقل لازم الرعایه راجع به طرز رفتار اصلاحی با زندانیان مصوب ۱۹۵۵ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در سال ۱۹۶۶ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد اشاره کرد که در سال ۱۳۵۴ به امضای دولت ایران رسیده و مجلس نیز آنرا به تصویب رسانده است. مفاد همین قواعد و مقررات بود که قبل از انقلاب اسلامی و بعداً توسط دولت جمهوری اسلامی ایران با تدوین آیین‌نامه‌هایی تحت عنوان آیین‌نامه اجرایی حبس در سال ۱۳۷۲ و سپس اصلاحیه آن در سال ۱۳۸۰ به مرحله‌ی اجراء درآمد. همه این معاهدات و مقررات و طرح‌های بین‌المللی و داخلی در جهت انسانی کردن مجازات حبس و اصلاح و درمان مجرمان پیش‌بینی و ارائه شده بودند. اما به لحاظ مشکلات و ایراداتی که بر زندان و نحوه اجرای آن وارد می‌باشد جنبه‌های اصلاحی و بازپروری کیفر حبس دچار تردید و شکست شده به گونه‌ای که زندان امروزه علیرغم تأکید بر جنبه‌های اصلاح و درمان و بازپروری آن، نه تنها نتوانسته در درمان و اصلاح بزهکاران موفق باشد، بلکه بر نرخ تکرار جرم ارتكابی توسط زندانیان بعد از آزادی از زندان افزوده شده است. از جمله مواردی که می‌توان در تأیید عدم کارایی کیفر حبس در جلوگیری از ارتکاب جرم و اصلاح و درمان مجرمین بدانها اشاره کرد تحقیق بعمل آمده در استان اردبیل است. بدین صورت، که میزان تکرار جرم توسط کسانی که حبس تحمل کرده اند ۳۳/۸۲ درصد بوده و در بین کسانی که مجازات آنها معلق شده تنها ۳/۹۵ درصد است.^۱ همچنین به گزارش خبرگزاری ایسنا اینترنت، قسمت فقه و حقوق در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۱۹، رییس سازمان زندانها در همایش ۳ روزه راهکارهای عملی و فعالیتهای مراکز مراقبت بعد از خروج اعلام کرد ۴۰ درصد زندانیان در دنیا پس از آزادی مرتکب جرم می‌شوند و این رقم در کشور ما ۳۰ درصد است.^۲ در توجیه این امر به نظر می‌رسد که اصلاح و بازسازی در محیط بسته و تحت اجبار کارایی‌های لازم را نداشته و زندان با هر کیفیتی که باشد باز هم اثر اصلاحی آن نسبت به اصلاح و بازسازی در اجتماع کمتر است. از جمله عواملی که تأثیر بسزایی در عدم موفقیت برنامه اصلاح و درمان بزهکاران در زندان دارند و یا زمینه‌های اصلاح و درمان را دشوارتر می‌کنند عبارتند از:

۱- تراکم جمعیت زندان و کمبود فضای مناسب برای نگهداری زندانیان: به علت کثرت جمعیت

^۱ - تمجید نوجه ده، «تعلیق اجرای مجازات در حقوق ایران و انگلیس»، ۹۷.

^۲ - صفاری، کیفرشناسی و توجیه کیفر، ۱۴۴.

کیفری، برنامه های اصلاحی موفقیت آمیز نبوده به طوری که متهمان و محکومان سابقه دار و محکومین بی سابقه هم زیستی اجباری داشته و نهایتاً برای فعالیتهای بزهکارانه در آینده برنامه ریزی می کنند.^۱ بنابراین عامل تراکم جمعیت از جمله عواملی است که زمینه بازپروری و اصلاح و درمان بزهکاران را دشوارتر می کند.

۲- مشکلات و معضلات بهداشتی و شیوع انواع بیماری های عفونی: نظیر ایدز، به عنوان یک عامل ناکارآمدی حبس می باشد.

۳- کمبود مأمور مراقب و مددکار زندان: بر اساس استانداردهای بین المللی باید در قبال هر نفر زندانی، یک مأمور مراقب باشد در حالی که در کشور ما برای هر ۱۴۰ نفر زندانی یک نفر مأمور مراقب وجود دارد و نیز برای هر ۹۰ نفر زندانی یک مددکار باید در نظر گرفته شود، در حالی که در زندانهای کشور ما به ازای ۱۱۴۵ نفر زندانی یک مددکار وجود دارد.^۲ همین امر باعث شکست برنامه اصلاح و درمان می شود.

۴- پذیرفتن حبس به عنوان مجازات اصلی جرایم در قوانین جزایی: یکی از مشکلات اساسی کشور ما داشتن زندانهای شلوغ است. اصل پذیرفتن زندان به عنوان مجازات آن هم برای همه گونه جرایم و همه شرایط و اوضاع و احوال در قوانین و مقررات مختلف به عنوان مثال، قانون تعزیرات و بازدارنده مصوب سال ۱۳۷۵ از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی است، در صورتی که در خیلی از موارد به نظر می رسد باید از آن عمل ارتكابی عنوان جرم را حذف کرد، یا اینکه از پذیرفتن کیفر حبس به عنوان مجازات اصلی خودداری شود. بدین ترتیب، مهمترین نقص مجازات سالب آزادی افزایش خطر تکرار جرم است که آنرا تا حدود ۵۰ درصد دانسته اند.^۳

بند سوم: جرم زا بودن محیط زندان

مخالفان کیفر حبس معتقدند که زندان در عمل به یک محیط جرم زا و مجرم پرور تبدیل شده است.^۴ دلایل جرم زا بودن محیط زندان عبارتند از:

الف- زندان مکانی مناسب است برای آماده کردن و انتقال متون ارتكاب بزه طی مدتی که زندانیان در

^۱ - گلدوزیان، بایسته های حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳)، ۳۶۲.

^۲ - محمدی، «حبس و جایگزین های حبس»، ۳۷.

^۳ - نجفی ابرندآبادی، مترجم، جرم شناسی، ۱۰۸.

^۴ - گودرزی، نارسائی های زندان، ۱۲۵-۱۲۱.

یکجا با هم در ارتباط می باشند: به عبارت دیگر، همان پدیده «فرهنگ پذیری از زندان مدنظر است.»^۱ با این توضیح که در وهله اول برای خود زندانی، زیرا محکومی که به خاطر ارتکاب جرم کم اهمیت به زندان رفته ممکن است در اثر تماس با بزهکاران حرفه ای داخل زندان به مجرم حرفه ای تبدیل شود. به همین خاطر برخی معتقدند که: «زندان موجب ارتقای کیفیت جرایم می شود چرا که هرچه تراکم زندانیان بیشتر باشد مقدار یادگیری شگردها و حيله های بزهکاری نیز بیشتر می شود.» در وهله دوم، نسبت به سایر افراد جامعه، زیرا زندانی با آزاد شدن موجب انتقال فرهنگ و متون مجرمانه به سایر عموم افراد جامعه می شود و پدیده ای بنام «فرهنگ پذیری از زندان» ممکن است نسبت به عموم افراد جامعه نیز رخ دهد و افراد زیادی به سمت ارتکاب بزه با الگو و فرهنگ پذیری از زندانی سوق پیدا می کنند. بنابراین در جرم شناسی های معاصر نظریه ای با عنوان «فرهنگ پذیری زندان» مطرح شده که گونه های فرهنگ زندان در طول اقامت در حبس بر شخصیت و رفتار زندانیان تأثیر می گذارد.^۲

ب- زندان مکانی مناسب برای ارتکاب خشونت و ستیزه جویی^۳ می باشد: این خشونت و ستیزه جویی ممکن است در نتیجه عمل زندانیان نسبت به همدیگر «مثل زد و خورد، ناسزا گفتن و...» باشد یا به واسطه عمل مأمورین زندان نسبت به زندانیان باشد. همچنین خشونت ممکن است به واسطه اوضاع و احوال حاکم در زندان و مشکلات بهداشتی باشد. مارک آنسل در این باره می گوید: «کارشناسان آگاه به مسائل زندان به ما می گویند که زندان با توجه به قیود و اختلاط و خشونت که بر آن حکمفرماست در حقیقت یک تنبیه بدنی واقعی است که به تمامیت جسمانی و روانی محکوم آسیب می رساند و آنچه انحرافات در شخصیت وی ایجاد می کند که نتیجه آن یا... بر عکس حالت طغیان است که به صورت پرخاشگری های روزافزون با توسل به خشونت متجلی می شود. شورش های زندانیان غالباً فقط جلوه ای از این حالت است. از علل رفتار خشونت آمیز زندانیان به نظر می رسد که زندانی در مقایسه جرم ارتكابی خود با دیگران و مدت تعیین شده حبس برای آن یا به خاطر عدم تناسب میان جرم ارتكابی اش و مدت تعیین شده حبس برای آن و یا به دلیل جرم نداشتن عمل خود، مجازات صادره را ناعادلانه و غیر واقعی دانسته و در نتیجه به همین دلیل اقدام به بروز رفتار خشونت آمیز از خود می نماید.»

ج- عدم کنترل دقیق برای ورود و خروج مواد مخدر به زندان: بنا به گفته رییس سازمان زندانها از

۱- همان، ۱۱۲.

۲- نجفی ابرندآبادی، تقریرات علوم جنایی، ص ۳۷۶.

۳- گودرزی، نارسائی های زندان، ص ۱۲۱.





نیمه دوم سال ۱۳۷۸ تا مهر ۱۳۸۱ میزان هشتاد کیلوگرم هروئین در زندانهای کشور کشف شده است و آمار دیگری نشان می‌دهد که تنها در سال ۱۳۸۰ بالغ بر ۱۴۳ کیلوگرم مواد مخدر در زندانهای کشور کشف شد که ۲۳ کیلوگرم آن هروئین بوده است.^۱ روابط جنسی زندانیان با یکدیگر و در نهایت عدم رضایت فردی آنها از محیطی که در آن زندگی می‌کنند زندانها را به محیطی جرم پرور تبدیل کرده است. به عنوان مثال، زندان چون که مانعی بر سر راه ارضای غریزه جنسی می‌باشد موجبات بروز انحرافات جنسی را فراهم می‌کند که بیانگر مجرمانه و مجرم پرور بودن محیط زندان می‌باشد.^۲

بند چهارم: تعارض با اصل شخصی بودن مجازات ها

اصل بر این است که مجازاتها تنها بر شخص مجرم تحمیل شود. کیفر حبس اگرچه ظاهراً بر خود زندانی تحمیل می‌شود، اما باید گفت که زندانی شدن مجرم، بی‌شک به شکل غیرمستقیم آثار زیانبار مالی، معنوی، فکری و روحی را بر خانواده زندانی بیار می‌آورد. در نتیجه به اصل شخصی بودن مجازاتها خدشه وارد می‌شود و این عمل مجازات را از حالت شخصی بودن خارج می‌کند. نمونه‌ای از این مشکلات که می‌توان اشاره کرد، نگرانی و احساس ناامنی میان سایر اعضای خانواده، نداشتن منبع درآمد، ترک تحصیل فرزندان، سرخوردگی در جامعه و بین دوستان حتی طرد شدن از جمع فامیل و دوست و آشنا... در برخی موارد زندان به عنوان «داروی بدنی از درد» تعبیر می‌شود.^۳

یکی از محققان در این باره می‌گوید:^۴ «تأثیر مهمی که زندانی شدن فرد بر او وارد می‌کند در زمینه خانوادگی است. وقتی فردی به خاطر هر جرمی محکوم به حبس شود افرادی که دارای همسر و فرزند می‌باشند به خاطر دوری از خانواده و بی‌سرپرستی آنها دچار مشکلات روحی و روانی در زندان خواهند شد و خانواده او هم بر اثر بی‌سرپرستی در جامعه ممکن است به انحراف و فساد کشیده شوند.» به نظر می‌رسد زمانی این اثر مخرب زندان قابل لمس است که زندانی یک فرد متأهل باشد و نیز به ویژه زندانی متأهلی که دارای فرزند باشد چون اثر تخریبی زندان بر فرزندان زندانی نسبت به سایر اعضای خانواده وی بیشتر است. حتی در زمینه اقتصادی بیشترین فشار و سختی بر خانواده فرد محبوس شده وارد می‌شود. وقتی فردی که سرپرست خانواده است وارد زندان می‌شود وضعیت

^۱ - همان، ۱۱۸.

^۲ - رستمی، «تحلیلی بر عوامل تأثیرگذار زندان بر زندانی»، ۳۲.

^۳ - آشوری، جایگزین زندان، ۴۰.

^۴ - رستمی، «تحلیلی بر عوامل تأثیرگذار زندان بر زندانی»، ۳۲.

اقتصادی خانواده به کلی مختل و در یک وضعیت بحرانی قرار می‌گیرد و وارد یک مرحله‌ی جدیدی می‌شود، طبیعی است که درآمدهایی که شوهر و سرپرست خانواده می‌توانسته کسب کند منتفی است، حال سنگینی این وضعیت بر دوش زن خانواده است، اگر وی فردی شاغل باشد قضیه متفاوت است و او می‌تواند به نوعی مخارج خود و فرزندان را تأمین کند و لیکن در جایی که چنین شرایطی موجود نباشد وضعیت به حالت بحرانی تبدیل می‌گردد، ابتدا هرگونه پس اندازی که موجود بوده خرج و هزینه می‌گردد و در آخر امید به افراد فامیل در جهت کمک مالی دارند. حتی در شرایطی که زن شاغل است پس از محبوس شدن همسر همه نگاه‌ها به زن عوض می‌شود و جایگاه قبلی زن متزلزل می‌شود، نگاه‌ها با نوعی تحقیر همراه است. حال آیا این انصاف است؟ خانواده به منزله‌ی کانونی است که هر یک از اعضای آن دارای نقشی می‌باشند و در این راستا نقش والدین، به منزله‌ی سقف و ستون این کانون می‌باشد و کمرنگ شدن نقش هر یک از اعضای خانواده عاملی است که منجر به از هم پاشیدن ساختار خانواده می‌شود و آسیب‌های مقتضی وارد می‌سازد. یکی از ویژگی‌های بارز هر نوع خانواده بار عاطفی خانواده است. منظور از بار عاطفی، حمایتی است که والدین از فرزندان خود دارد و در صورت کمرنگ شدن آن می‌تواند منجر به از دست رفتن امنیت روانی فرزندان گردد. طبیعی است که عدم حضور پدر و مادر در خانواده به بافت عاطفی اعضای خانواده آسیب رسانده و منجر به حصول دل‌بستگی نایمن در فرزندان و برخورد علائم اضطرابی جدایی و تنش‌های حاصل از آن می‌گردد که به دنبال خود احساس مبنی بر ناامنی را حاصل می‌کند. خانواده با نقشی که در حفظ آداب و سنن فرهنگی و انتقال آنها به نسل‌های آینده دارد، فرهنگ را زنده نگه می‌دارد. بنابراین خانواده را از پاره‌ای جهات می‌توان نماینده جامعه دانست و ناتوانی خانواده در اجرای کامل کارکردهایش گویای این واقعیت است که جامعه نیز به هدف‌های خود نخواهد رسید، زیرا هر جامعه‌ای کوشش دارد تا نسل‌های آینده و متفکر در خود پرورش دهد و هسته این بالندگی درون خانواده شکوفا شود.

عناصر اصلی خانواده هم مسئول جامعه‌پذیری فرزندان هستند و هم باید در خارج از خانواده بر آنها نظارت داشته باشد، لذا عدم حضور عناصر اصلی خانواده در کارکردهای نظارتی و تربیتی و عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری فرزندان اثرات منفی بر جای گذاشته و فرزندان توانایی انطباق و سازگاری بهینه با جامعه را نخواهد داشت. لذا می‌توان بروز رفتارهای نابهنجار اجتماعی را در فرزندان خانواده‌هایی که دارای سوابق حبس هستند شاهد بود. یکی از مهمترین فرآیندهایی که در خانواده می‌باید حاصل





گردد بحث الگو در خانواده هاست، عدم کفایت پدر یا فقدان او بر حسب اینکه الگوهای دیگری از مردان در خانواده باشد یا نباشد نتایج و اثرات متفاوتی خواهد داشت. در نهایت فرزندان در درون خانواده و از طریق تجربه مستقیم با عناصر اصلی نظام فرا می‌گیرند که پدر مظهر اقتدار است و مادر مظهر محبت و عطوفت و از این طریق می‌آموزد که در بزرگسالی نقش مناسب خود را ایفا کند. از سوی دیگر، فرد مجرم پس از ورود به زندان به لحاظ یادگیری اجتماعی و فرآیند تقلید، رفتارهای حاضر حاکم در زندان را به عنوان خرده فرهنگ می‌آموزد و با توجه اینکه فرزندان رفتارهای خود را از والدین می‌آموزند، لذا فرآیند انتقال رفتارهای انحرافی را به لحاظ حضور پدر در زندان می‌توان مشهود داشت.

بند پنجم: هزینه های اقتصادی زندان

اجرای کیفر حبس دارای اثرات زیانبار اقتصادی می‌باشد و زندانی کردن دو اثر اقتصادی را به دنبال دارد که عبارتند از:

الف- اثر مستقیم: ضرورت ساخت زندانهای جدید با توجه به تراکم جمعیت- هزینه نگهداری زندانهای قدیمی از قبیل تعمیر، خوراک و پوشاک زندانیان، هزینه های درمان و بهداشت مجرمان، زندانبانان و خود محیط زندان، هزینه های دستمزد مأمورین زندان، مددکاران اجتماعی... این قبیل هزینه ها بر دولت تحمیل می‌شود. برای مثال، هزینه سرانه واقعی نگهداری هر زندانی روزانه حدود ۱۰۰۰۰ ریال در سال ۱۳۷۸ بوده (به نقل از روزنامه ایران منعکس شده از معاون سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی) این رقم در سال ۱۳۸۲ به ۴۰۰۰۰ ریال رسیده است که سالانه مبلغ هنگفتی را بر جامعه تحمیل می‌کند.^۱

ب- اثر غیرمستقیم: با زندانی شدن تعداد زیادی از افراد، جامعه دچار رکود اقتصادی می‌شود. به عبارت دیگر، زندان نه تنها باعث بیکار شدن عضو فعال جامعه می‌شود، بلکه باعث می‌شود که فرد موقعیت شغلی گذشته خود را بنا به دلایلی از دست بدهد در نتیجه همین عامل اخیر باعث می‌شود که فرد آزاد شده مجدداً دست به ارتکاب جرم بزند.

از نظر اقتصادی این مسئله بسیار مهم است، یعنی فقدان حتی یک فرد از افراد جامعه در چرخه اقتصادی کشور که می‌توانسته مؤثر باشد. طبیعی است در کل افرادی که در زندانها بسر می‌برند

^۱ - گودرزی، نارسائی های زندان، ۱۳۰.

تعدادی هستند که در چرخه اقتصادی کشور مؤثر هستند. یکی از دغدغه های اصلی مردانی که متحمل حبس می شوند این است که آینده شغلی آنان پس از آزادی چه سرنوشتی پیدا خواهد کرد و چه اتفاقی خواهد افتاد. فرهنگ حاکم در جامعه فرهنگی است که: اولاً، هیچگونه اعتمادی به فرد زندانی یا فردی که به تازگی از زندان آزاد شده است ندارند ولو اینکه افرادی با مهارت بالا باشند. ثانیاً، دقت کمتری در به کارگیری افراد وجود دارد. این عوامل باعث شده که یک حالت دلهره و اضطراب در زندان و افراد زندانی وجود داشته باشد که وضعیت شغلی آنها که منتهی به وضعیت اقتصادی خانواده شان می شود چگونه است و آینده چگونه خواهد شد. همه ی این عوامل باعث شده است که یک حالت دلهره و اضطراب در زندان و افراد زندانی وجود داشته باشد که وضعیت شغلی آنان چگونه است و آینده آنان چه خواهد شد. کسانی که دارای همسران شاغلی هستند یا افراد مجرد از دلهره و دلمشغولی کمتری برخوردارند و این فشار عظیم روحی و روانی بر روی آنان نیست یا فشار روحی کمتری تحمل می کنند. اگر ما آمار مربوط به افرادی که به علت بیکاری دست به ارتکاب جرم زدند به همین مسأله بیافزاییم خواهیم دید که دغدغه بی موردی نیست که این افراد دارند. چرا که اعتقاد بر این است که علت عمده و اصلی ارتکاب جرایم به جرأت می توان گفت که مشکل بیکاری است حال اگر این بیماری بعد از تحمل حبس مجدداً و یا جدیداً به سراغ فرد آزاد شده بیاید وضعیت به صورت ارتکاب جرم جلوه گر خواهد شد. آیا واقعاً در اینجا محبوس کردن این افراد راه چاره و دوی درد است؟ اگر هدف ما اصلاح و تربیت و برگشت موفقیت آمیز محکوم به آغوش جامعه باشد، اینجاست که واحدهای مراقبتی و حمایتی اهمیت بیشتری پیدا می کند. اگر هدف ما برگشت دادن یک فرد اصلاح شده به دامن اجتماع است باید به نوعی یعنی حتی اگر شده با بازنگری در قوانین موجود این معضل را حل کرد و شاهد به کارگیری راه حل های مفید و مناسب در مقابل محکوم و مجرم بود. و از طرفی بعد از تحمل آن مجازات تعیین شده شاهد بهره برداری از نیرویی که به نوعی برای او هزینه شده است باشیم. یعنی اولاً، تلاش در تصویب قوانین مناسب بخصوص لایحه مجازاتهای اجتماعی جایگزین زندان داشته باشیم و ثانیاً، شرایط مناسب در اجتماع را فراهم آوریم که پذیرای این افراد باشند که اگر جرمی مرتکب شده اند تاوان آنرا نیز پس داده اند و حال آماده بازسازی زندگی خود یا به نوعی ادامه یک زندگی سالم هستند.

بند ششم: تراکم جمعیت زندان و کمبود فضای مناسب

آمارهای زندان نشان می دهد که هر ساله تعداد زندانیانی که روانه زندان می شوند افزایش می یابد،





ولی مکان و فضای نگهداری آنان گسترش نیافته است، در نتیجه در یک فضای کم با انبوه عظیمی از زندانیان مواجه می‌شویم. برای مثال، با توجه به آمارهای ارائه شده به طور متوسط هر ثانیه ۵۹ نفر وارد زندان می‌شود. سرانه قابل قبول فضای نگهداری و محل اسکان هر زندانی در کشورها ۱۷/۵ مترمربع است در حالی که سرانه موجود در کشور ما به رغم تلاشهای زیاد فعلاً ۴/۵ مترمربع است. کمبود فضای سرانه امروزه یکی از آسیب‌های جدی اصلاح و تربیت در زندانهاست.^۱ بنابراین به نظر می‌رسد علت تورم جمعیت کیفری موارد ذیل باشد:

الف- حبس محور بودن قوانین جزایی: به عبارت دیگر، در قوانین جزایی کشور ما برای اکثر اعمال مجرمانه مجازات حبس تعیین شده است. برای مثال، کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ را می‌توان ذکر کرد. ب- استفاده گسترده قضات از مجازات حبس: این مجازات خودش می‌تواند عاملی برای تورم جمعیت کیفری زندان باشد. علت استفاده گسترده قضات از کیفر حبس از یک سو، به وضع قوانین موجود بر می‌گردد که در بند فوق راجع به آن توضیح دادیم و از سوی دیگر، به آموزش صحیح قضات در جهت استفاده از داده‌های علمی بر می‌گردد.

بند هفتم: مشکلات بهداشتی موجود در زندان

از جمله ایرادهایی که بر کیفر حبس وارد می‌باشد وضع نامطلوب بهداشت در محیط زندان و بین زندانیان است. شیوع بیماری‌های مسری مثل بیماری‌های عفونی، پوستی، ایدز، سل، هپاتیت و... در زندان بسیار چشمگیر است. اینگونه بیماریها از طریق استفاده مشترک از سرنگ‌های تزریقی و مقاربت‌های جنسی به وجود می‌آید. از سویی علت وضع نامطلوب بهداشت در زندان را می‌توان به تراکم جمعیت در زندان و کمبود فضای آن اشاره کرد، زیرا هر چه تراکم بالا باشد خطر ابتلاء به اینگونه بیماریها افزایش پیدا می‌کند و علت دیگر می‌توان ناشی از چرخه ورود و خروج زندانیان به داخل و خارج از محیط زندان اشاره کرد.^۲

بند هشتم: اثر روانی نامطلوبی زندان بر زندانی

زندان با توجه به وضعیتی که در آن حاکم است موجب بروز اختلالات روانی و عصبی نسبت به کلیه زندانیان به ویژه زندانیانی که احساس بی‌عدالتی نسبت به خود داشته باشند به آسانی درمان‌پذیر نیست.

^۱ - محمدی، «حبس و جایگزین‌های حبس»، ۳۷.

^۲ - گودرزی، نارسائی‌های زندان، ۱۲۷.

در خصوص اثر روانی نامطلوب زندان بر زندانی در مصاحبه هایی که با زندانیان صورت گرفته آنها احساس خود را هنگام ورود به زندان اینگونه تشریح کرده اند: احساس دل‌تنگی به همراه یک احساس تلخ، احساس سرکوفتگی و اضطراب.^۱ تأثیر زندان بر زندانی به خصوص روان زندانی ناشی از عامل گوناگونی مثل فقدان مراقبت های پزشکی کافی، شیوع بیماری های خطرناکی مثل ایدز و سوء رفتارهای جنسی در زندان و سوء تغذیه است.^۲ مطالعات جرم شناختی خصوصاً پژوهش های متمرکز بر عوامل جرم تقریباً همگی نشان می دهند که اختلال روانی یکی از عوامل مهم و مؤثر در وقوع جرم محسوب می شود. از اینرو زندان را باید محلی برای تجمع بیماران روانی مجرم قلمداد کرد و به این ترتیب قابل پیش بینی است که شیوع اختلالات روانی در زندانها بیش از خارج از زندانها باشد، اگرچه این نکته را نیز نباید از خاطر دور کرد که همه افراد مبتلاء به بیماری روانی لزوماً مجرم نیستند.

بند نهم: از بین رفتن حس مسؤولیت

زندانی به هنگام ورود به زندان و یا هنگام خروج از آن ممکن است از یک سو، از طرف خانواده اش که با زندانی شدن او متحمل مشکلات عاطفی، مالی و... شده اند طرد شود و دیگر وی را به دیده عضو خانواده قبول نداشته باشند که در اثر این طرد شدگی زمینه ها برای جذب شدن بزهکار به باندهای فساد و انحراف و مشکلات روحی و روانی فراهم می گردد.^۳ از سوی دیگر، جامعه وی را به عنوان یک فرد عادی و مطمئن نگاه نمی کند و حتی به لحاظ غیبت های طولانی کار و سرمایه و شغل سابق خود را از دست بدهد. همه ی اینها باعث ایجاد اختلالات در شخصیت زندانی می شود که در نتیجه آن زندانی هیچ احساس تعهد و مسؤولیتی را اولاً، نسبت به خانواده ثانیاً، نسبت به جامعه نداشته باشد. پس یکی از آثار منفی زندان و در واقع از معایب زندان کمک در رسیدن به احساس پوچی و بی هدفی در زندان است.^۴ در همین راستا عده ای معتقدند که: از دیگر تبعات حبس این است که زندانی احساس می کند که در طول مدت حبس از امکانات رایگان و مجانی برخوردار می شود، این امر ضمن سوق دادن زندانی به تن پروری و بیکاری موجب از بین رفتن حس مسؤولیت در وی خواهد شد.^۵

۱ - عبدی، تأثیر زندان بر زندانی، ۱۸۲.

۲ - میرمحمد صادقی، مجموعه مقالات و سخنرانی های همایش بین المللی راهنمای جایگزین مجازات حبس، ۱۵.

۳ - رستمی، «تحلیلی بر عوامل تأثیر گذار زندان بر زندانی»، ۳۲.

۴ - همان، ۳۲.

۵ - محمدی، «حبس و جایگزین حبس»، ۴۰.





بخش دوم: عوامل نظری ناکارآمدی کیفر حبس

بند اول: تحولات کیفری و گسترش زندان

بنیانگذاران این مکتب، سزار بکاریا، بنتام، کانت و ژان ژاک روسو هستند. بکاریا با انتشار کتاب «جرایم و مجازاتها» در سال ۱۷۶۴ حقوق کیفری را تابع اصول و قاعده کرد و توسل به حقوق کیفری تابع اصل قانونی بودن شده بود دیگر از توسل خودسرانه و بی قید و شرط از حقوق کیفری جلوگیری کرد. این مکتب برای نحوه اجرای مجازات اهمیت بسیار قائل است و معتقد است که تشکیلات زندان باید مجرم را ضمن تحمل مجازات تربیت کند. آنها از حبس به عنوان مجازات اصلی استفاده می کردند و فقط دغدغه آنها اجرای بهتر و کارآمد آن بود. بنیانگذاران مکتب نو کلاسیک، لوکاس، رسی، لیزر، ارتولان هستند. در آثار برخی از نویسندگان این مکتب راه حل هایی برای اجتناب از آثار زیانبار مجازات حبس دیده می شود که قبل از ذکر آنها باید گفت کیفر حبس در افکار بنیانگذاران این مکتب جای خاصی دارد، آنها بهترین مجازات را حبس می دانند. یکی از اندیشه های مورد احترام این مکتب اصل فردی کردن کیفر است. در مورد جایگزین کردن مجازات برای حبس رسمی به کیفر نقدی یا جریمه اشاره کرده است که به نظر او جایگزین خوبی حداقل برای جرایم کم اهمیت است. آنها اعتقادی به نقش تربیتی کیفر حبس کوتاه مدت نداشتند لذا به فکر جایگزین افتادند. بنیانگذاران مکتب تحقیقی، سزار لمبروزو، انریکوفری، گاروفالو هستند. این مکتب ضمن استفاده از مجازات حبس در برخی موارد خواستار جایگزین شدند. به اعتقاد لمبروزو یکی از عوامل بزرگ سازنده جرم «زندان» است. فری هم زندانی کردن را غیراصولی، غیرانسانی و احمقانه می داند. باید گفت که نخستین جلوه های جایگزین برای حبس را بایستی در افکار و عقاید این مکتب در سده ۱۹ جستجو کرد. اقدامات مکتب تحقیقی و آثار آن مشخص کننده مرحله ی مهمی در حقوق کیفری می باشد. این اقدامات در تحول علم اداره زندانها نیز مؤثر بوده است. در واقع مکتب تحقیقی به ما می آموزد که سرکوبی باید نه به حسب بزه ارتكابی، بلکه با توجه به شخصیت مجرم و حالت خطرناکی که او از خود بروز می دهد سازمان یابد، یعنی این بزهکار است که باید مخاطب عدالت کیفری واقع گردد. بنابراین خطرناکی افراد باید معیار تعیین تدابیری باشد که در دوره آنان شاید قبل از اینکه جرمی مرتکب شود اتخاذ گردد.

بنیانگذاران مکتب دفاع اجتماعی مارک آنسل و فیلیپو گراماتیکا هستند که بر حبس انتقاداتی وارد می کنند که به طور خلاصه عبارتند از:^۱

اولاً- نخستین دلیل که ریشه اش در موضع انتقادی در علاقمندی به واقعیت و توسل بر علوم انسانی

^۱ - آشوری و نجفی ابرنآبادی، مترجم، دفاع اجتماعی، ۸۸-۸۶.

از سوی این جنبش نهفته است این است که زندان در عمل دیگر آنچه را که مدعی آن است و برای رسیدن به آنها ایجاد شده ارائه نمی دهد. زندان که باید ابزار اصلی واکنش در مقابل بزهکاری باشد از همان آغاز به صورت یک مدرسه ی تکرار جرم در آمده است.

ثانیاً- زندان باید فقط در سلب آزادی از محکوم خلاصه شود. اما کارشناسان آگاه به مسائل زندان به ما می گویند زندان یک تنبیه بدنی است که به تمامیت جسمانی و روانی محکوم آسیب می رساند. ثالثاً- زندان منجر به قطع رابطه زندانی با زندگی عادی، خانواده، کار و دوستانش می شود. پس این مجازات بر همه افراد از جمله مجرم، خانواده، دوستان، همسر و... تحمیل می شود.

این مکتب می گوید: سلب آزادی از محکومین باید به عنوان آخرین حربه به کار گرفته شود زمانی که هیچ شیوه و راه حل دیگری نباشد. این جنبش سعی دارد که از مجازات سالب آزادی اجتناب ورزد و توسل به نهادهایی از قبیل آزادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات را توصیه می کند. یا آنرا کلاً به کنار بگذارد که این تحت عنوان جانشین مجازات زندان نام گرفته است.

بند دوم: نظریات جرم شناختی

یکی از دستاوردهای جرم شناختی، فردی کردن مجازاتها می باشد که می تواند در انتخاب و اجرای مناسب برنامه های جایگزین حبس و تناسب آنها با شخصیت محکوم و اهمیت و خطرناکی جرم نقش ایفاء کند. به عبارت دیگر، برنامه های جایگزین حبس نمادی از اصل فردی کردن مجازاتهاست. یکی از حقوقدانان کشورمان با نگاه جرم شناختی در ایراد از کیفر سالب آزادی خاطر نشان می کند که: «بر اساس مطالعات مکرری که انجام شده پیش از نیمی از محکومان به حبس پس از خروج از زندان دچار تکرار جرم شده اند و دو مرتبه به فرآیند قضایی باز می گردند در روند این بازگشت ممکن است شلاق بخورند یا به زندان بروند. لذا از نظر جرم شناسی هم می توانیم بگوییم که زندان فقط پارکینگ انسان هاست و سلب کننده آزادی آنها زندان رسالت خود را یعنی عبرت آموزی، ارباب انگیزی و اصلاحی را لااقل نسبت به اکثر زندانیان ایفا نکرده است.»

الف- جرم شناسی کلاسیک: جرم شناسی کلاسیک به دنبال علل وقوع جرم و اصلاح و درمان بزهکار است که به جرم شناسی «علت شناسی» نیز معروف شده است. به عبارت دیگر، جرم شناسی علمی عبارت است از علم شناخت علل وقوع جرم و درمان و اصلاح بزهکار و پیشگیری از وقوع

۱ - نجفی ابرندآبادی، «واریسی جایگزین مجازات زندان»، ۳۶-۳۷.





جرم. به همین خاطر جرم‌شناسی کلاسیک به جرم‌شناسی مبتنی بر اصلاح و درمان نیز یاد می‌شود. این دسته از جرم‌شناسان زندان را به عنوان محیطی تحمیلی و یکی از عوامل اجتماعی فردی جرم تلقی می‌نمایند که در دگرگونی شخصیت بزهکار نقش بزرگی را ایفا می‌کند. وقتی علت جرم مشخص شد (جرم‌شناسی خرد و کلان) جرم‌شناسی کاربردی وارد عمل می‌شود، یعنی به دنبال شناخت علل وقوع جرم، جرم‌شناسی راهکارهایی را برای اصلاح و درمان مجرم و پیشگیری به منظور جلوگیری از تکرار جرم ارائه می‌دهد. در جرم‌شناسی بالینی، جرم‌شناسی با الهام از الگوی پزشکی و تشکیل دهنده پرونده شخصیت مجرم به دنبال اصلاح و درمان مجرمین در زندان و کلینیکی کردن زندان برای درمان مجرمین و فردی کردن اجرای مجازات می‌باشد. با ظهور جرم‌شناسی بالینی برنامه‌های اصلاح و درمان از سال ۱۹۵۰ به بعد مطرح شد.^۱ اگرچه برنامه‌های اصلاح و درمان از دیرباز تاکنون مورد توجه دانشمندان و نهادهای بین‌المللی و داخلی کشورها از جمله ایران قرار گرفته است. هم‌اکنون نیز چنین برنامه‌هایی در قوانین کشور ما و سازمان زندانها به اجرا گذاشته می‌شود. اما آمار و تحقیقات امروزه در کشورها نشان می‌دهد که جرم‌شناسی اصلاح و درمان با شکست روبرو شده است و همچنان نرخ بزهکاری به ویژه تکرار جرم بالاست. جرم‌شناسان برای شکست جرم‌شناسی اصلاح و درمان دلایلی را ذکر کرده‌اند که از جمله آنها عبارتند از:

۱- از آنجا که شخصیت انسان شخصیتی پیچیده است و انسانها قادر به شناسایی همه ابعاد این شخصیت پیچیده نیستند این نظریه بر این اصل استوار است که با عنایت به شکست اصل اصلاح و درمان مجرمین، این اصل باید کنار گذاشته شود و به جای آن مطالعه جرم مورد توجه قرار بگیرد. چون اولاً، هیچ چیز کارآمد و مؤثر نبوده است. ثانیاً، هیچ چیز تکان نخورده و متحول نشده است.

۲- عدم وجود امکانات و ابزارهایی مطلوب برای تحقق اهداف جرم‌شناسی اصلاح و درمان. بنابراین سیاست جنایی کشورها از جمله ایران مبتنی بر اصلاح و درمان مجرمین و نهایتاً پیشگیری از تکرار جرم بوده که زندان را به عنوان محلی برای اصلاح و درمان می‌دانستند و به دنبال ایجاد اصلاحات در زندانها و تهیه و تنظیم برنامه‌های اصلاحی و درمانی بوده است که امروزه با توجه به آمارها و شواهد به شکست انجامید.

ب- جرم‌شناسی واکنش اجتماعی: این دسته از جرم‌شناسان از دهه ی ۱۹۷۰ وارد حیطه جرم‌شناسی

^۱ - نجفی ابرنآبادی، تقریرات علوم جنایی، ۸۰

شده است. جرم شناسی واکنش اجتماعی به دنبال علت شناسی عمل مجرمانه نیست، بلکه علت جرم را ناشی از واکنش های اجتماعی و نهادهای مربوط به کنترل جرم می دانند. در جرم شناسی کلاسیک نهادهای کنترل کننده جرم (پلیس، دادگاه و...) را مثبت و مطلوب تلقی می کنند و علت جرم را چیزهایی غیر از اینها می دانند. ولی در جرم شناسی واکنش اجتماعی به این عوامل کنترل کننده جرم با دیده منفی نگریده و به عنوان علت جرم تلقی می کند. لذا جرم شناسی واکنش اجتماعی، نظام کیفری و مجازاتها را به عنوان عامل جرم زا و نیز نهادهای کیفری را به عنوان عوامل ایجاد تعدد و تکرار جرم مطالعه می کند. جرم شناسی واکنش اجتماعی را می توان به سه دسته تقسیم کرد که عبارتند از:

۱- جرم شناسی تعامل گرا: اساس این نظریه را باید در کتاب جامعه شناس آمریکایی بنام «ادوین ام لموت» تحت عنوان آسیب شناسی اجتماعی جستجو کرد. وی در این کتاب نظریه «انحراف ثانوی» را مطرح کرد که مفهوم جامعه شناختی دارد و در محدوده حقوق کیفری «تکرار جرم» نام می گیرد. به عقیده ی طرفداران این مکتب، انحراف ساخته گروههای اجتماعی است، گروه حاکم بوسیله ایجاد ممنوعیت ها و جرم در قالب قوانین و با اعمال قوانین و ضمانت اجرای کیفری نسبت به عده ای خاص به آنها برچسب منحرف یا مجرم می زنند. این مکتب مطالعات جرم شناسی را از عمل مجرمانه و شخصیت مباشر آن، به سمت مجموعه پدیده هایی که واکنش اجتماعی محسوب می شود منتقل می کند. از نظر این مکتب تفکیک عمل مجرمانه از واکنش اجتماعی دیگر معنایی ندارد، زیرا انحراف مولود و آفریده واکنش اجتماعی است. جرم شناسان تعامل گرا معتقدند که: «نهادهای کیفری می توانند در تولید تکرار جرم نقش داشته باشند...»^۱

۲- جرم شناسی سازمانی: جرم شناسی سازمانی اقدام به مطالعه تطبیقی و سنجشی می زند. اینکه آیا با توجه به سرمایه گذاری اعم از مالی- انسانی فکری که درباره نهادهای کنترل جرم در امر اصلاح و درمان مجرمین و جلوگیری از تکرار جرم و کاهش تراکم پرونده ها و جمعیت کیفری زندانها و غیره به تعبیر کلی تر در مهار و کنترل جرم تأثیرگذار است یا خیر؟ میزان رضایت افکار عمومی نسبت به این قبیل نهادهای مبارزه علیه جرم چگونه است؟ آیا با توجه به ارزیابی و مقایسه اقدام به زندان زدایی بکنیم یا جانشین هایی برای زندان پیشنهاد کنیم؟

^۱ - گسن ، مقدمه ای بر جرم شناسی، ۱۹۲.





۳- جرم‌شناسی انتقادی: جرم‌شناسی انتقادی واژه‌ای نسبتاً جدید در ادبیات جرم‌شناسی است. آنچه حائز اهمیت است این است که جرم‌شناسی انتقادی، جرم‌شناسی رادیکال و تفکر انتقادی در جرم‌شناسی برخی گرایش‌های مارکسیستی نیست، جرم‌شناسی انتقادی ضرورتاً مارکسیست نیستند.^۱ یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی انتقادی، نظریه‌الغاگرایی است که این نظریه از نظریه‌های مشتق از ایدئولوژی مارکسیسم است، یعنی منظور از مفهوم نظریه‌مارکسیستی این است که قدرت به گونه‌ای فزاینده در دست افراد کمتری یعنی همان طبقه سرمایه‌دار قرار می‌گیرد. در این نظام جرم عبارت است از: «نقض منافع گروه سرمایه‌دار. به تعبیر دیگر، جرم یعنی فعل یا ترک فعلی که منافع و حقوق اقلیتی را که اقتصاد و ابزارهای تولید را در دست دارند نقض می‌کند.» که طرفداران این نظریه در مجموع با غیرانسانی دانستن حبس و زندان و با توسل به علوم انسان‌شناسانه و جامعه‌شناختی، توسعه جایگزین‌های کیفر حبس را خواستار شدند. آقای توماس ماستین از جمله پیشگامان‌الغاگرایی و استاد جامعه‌شناس دانشگاه اسلوندوژ دلیل تحریم بین‌المللی توسل به کیفر حبس را به شرح ذیل ارائه می‌دهد:^۲

- ۱- زندان قادر به پیشگیری از تکرار جرم نیست.
- ۲- زندان عملاً در ارباب جرایم اطمینان بخش نیست و اهمیت کمتری نسبت به دیگر عوامل اجتماعی که ممکن است منجر به دستیابی به همان نتایج شود دارند.
- ۳- زندانهای شلوغ را باید با محدود کردن تعداد زندانیان از ازدحام آنها کاست نه با خلق جرایم و به تبع آن زندان‌سازی کرد.
- ۴- هزینه زندانها که پولی که باید خرج آبادانی کشور و ایجاد مراکز اشتغال و سرگرمی افراد شود باید خرج یک عده شود که نظم جامعه را مختل کرده‌اند.
- ۵- فرآیند تحمل حبس، منس و شخصیت برگشت‌ناپذیر ایجاد می‌کند.
- ۶- زندانها غیرانسانی‌اند.
- ۷- ارزشهای فرهنگی‌جا افتاده در زندانها، اخلاق، خشونت، پستی و تباهی را منعکس می‌کند.
- ۸- زندانها فاقد ارزش و فایده عملی‌اند.

یکی دیگر از شاخه‌های جرم‌شناسی انتقادی، جرم‌شناسی طرفدار صلح است که در سال ۱۹۹۴

^۱ - صفاری، درآمدی بر جرم‌شناسی انتقادی و انواع آن، ۵۰۲.

^۲ - گودرزی، گستره قوانین کیفری از دیدگاه جامعه‌شناختی و جرم‌شناسی، ۱۲۹-۱۲۸.

توسط هال پینسکی و ریچارد کوئینی ظهور پیدا کرد. طرفداران این نظریه معتقدند که راه انتخاب شده برای برخورد با جرم به طور کلی اشتباه است و جرم را نمی توان با توسل به خشونت های دولتی یا دیگر مجازات سرکوب گر متوقف کرد. طرفداران این نظریه خواستار برقراری سیاست اجتماعی به جای کنترل اجتماعی و نیز برقراری عدالت ترمیمی به جای عدالت سرکوب گر، مصالحه و سازش به جای زندانی کردن.... شده اند.

نتیجه گیری

۱- امروزه آمارها و مطالعات انجام شده نشان داده اند که مجازات سالب آزادی به دلایل ذیل از لحاظ عملی با بحران و ناکارآمدی روبرو است:

اولاً- مجازات سالب آزادی در برآورده کردن رسالت ها و اهدافش (ارباب، بازدارندگی، پیشگیری خاص و عام، اصلاح و بازپروری مجرمان) موفق نبوده است. زیرا آمارها نشان داده اند که بخشی از جمعیت کیفری زندان را تکرارکنندگان جرم (ارتکاب مجدد مستوجب مجازات حبس توسط زندانی پس از آزادی از زندان) تشکیل می دهند.

ثانیاً- به لحاظ برخی مشکلات و معایب وارده بر حبس و نظام زندانها، استفاده از مجازات سالب آزادی به طور گسترده غیرضروری است. ایرادات و معایب وارده عبارتند از: جرم زا بودن محیط زندان، تعارض با اصل شخصی بودن مجازاتها، هزینه اقتصادی زندان، معضلات بهداشتی موجود در زندان، تراکم جمعیت کیفری زندان و کمبود فضای مناسب، اثر روانی نامطلوب زندان بر زندانی، از بین رفتن حس مسؤولیت و تعارضات جنسی.

۲- زندان به عنوان یکی از قدیمی ترین مجازاتهای سنتی امروزه دیگر توقعات دانشمندان و اندیشمندان حقوق جزا مبنی بر اصلاح و تربیت مجرمین و دفاع از جامعه را به خوبی برآورده نمی سازد. با توجه به افزایش تکرار جرم جنبه سزادهی و بازدارندگی و اصلاح و بازپروری مجازات سالب آزادی اعتبار و اهمیت خود را از دست داده است. زندان امروزی صرفنظر از اینکه هزینه های اقتصادی کلانی را بر جامعه تحمیل می کند به مدرسه ی جرم ساز تبدیل شده مکانی که مجرمین اتفاقی در کنار مجرمین حرفه ای گرد هم می آیند و در این راستا تجارب و تفکرات مجرمانه به سهولت مبادله می گردد. زندان نه تنها مجرمین را اصلاح نمی کند، بلکه در اکثر موارد فرآیند بازپروری اجتماعی را دشوار می سازد یا به تأخیر می اندازد. استفاده از سیاست جایگزینی در قلمرو مجازات سالب آزادی در بسیاری موارد می تواند بر کاهش جمعیت کیفری و کاهش تکرار جرم و همچنین کاهش هزینه سازمان زندانها و احیاناً افزایش درآمد دولت ها از طریق اعمال جایگزین هایی مثل جزای نقدی و... منجر شود.



منابع و مآخذ

۱. اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی ۲، چاپ هفتم، نشر میزان ۱۳۹۲
۲. آشوری، محمد، جایگزین های زندان یا مجازاتهای بینابین، چاپ اول، نشر گرایش ۱۳۹۲
۳. آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۸۹
۴. بولک، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجد. ۱۳۸۸
۵. پیکا، ژورژ، جرم شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. ۱۳۷۹
۶. تمجید نوجه ده، فرامرز؛ تعلیق اجرای مجازات در حقوق ایران و انگلیس، «پایان نامه کارشناسی ارشد»، تهران: دانشگاه علوم و تحقیقات، ۱۳۸۱
۷. رستمی، علی؛ «تحلیلی بر عوامل تأثیرگذار زندان بر زندانی» ۱۳۸۹
۸. ریموند، گسن؛ مقدمه ای بر جرم شناسی، ترجمه دکتر مهدی کی نیا، چاپخانه علامه طباطبایی، ۱۳۸۹
۹. صفاری، علی؛ درآمدی بر جرم شناسی انتقادی و انواع آن، چاپ دوم، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد اشوری) انتشارات سمت، ۱۳۸۸
۱۰. صفاری، علی؛ کیفرشناسی و توجیه کیفر، مقالات علوم جنایی، انتشارات سلسبیل ۱۳۸۸
۱۱. عبدی، عباس، تأثیر زندان بر زندانی، آسیب شناسی اجتماعی، انتشارات نور ۱۳۸۹
۱۲. گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی ۳-۲-۱، تهران. ۱۳۸۴
۱۳. گودرزی، محمدرضا؛ گستره قوانین کیفری از دیدگاه جامعه شناختی و جرم شناسی ۱۳۸۹
۱۴. محمدی، داود؛ «حبس و جایگزین های حبس»، مجله کانون اصلاح و تربیت شماره ۱۶
۱۵. مرادی، قاسم، «تعدیل مجازات زندان»، فصلنامه اندیشمندان حقوق، ش ۱۳، تابستان ۱۳۹۶
۱۶. میرمحمد صادقی، حسین؛ مجموعه مقالات و سخنرانی های همایش بین المللی راهنمای جایگزین مجازات حبس ۱۳۹۱
۱۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ تقریرات علوم جنایی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق ۱۳۹۲

